

رویکرد سازه انگارانه به کاربرد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در جهان اسلام از ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱؛ (مطالعه موردی ایران)

رضا سیمبر^۱سیده هاله مهدی زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

اقدام برای بهبود وضعیت زنان در سطح جهانی بسیار ضروری می باشد و کنوانسیون بین المللی رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، در جهت ایجاد برابری کامل میان زنان و مردان و ریشه کن سازی تبعیض علیه آنان ایجاد شده است. این مقاله در پی پاسخ به این می باشد که مفاد این کنوانسیون چه تاثیری بر تغییر رویکرد کشورهای اسلامی برای رفع تبعیض علیه زنان داشته است و فرهنگ و هویت اسلامی در عدم عضویت ایران در این کنوانسیون چگونه نقش آفرینی می کند؟ یافته های تحقیق حاکی از آن است که این کنوانسیون محصولی از اندیشه و بازتاب برخی از آرمان های فمینیستی غربی می باشد و با توجه به تفاوت در ساختارها، فرهنگ ها، مذاهب، استانداردها و تفاسیر مختلف از جایگاه و تجارب و نیازهای خاص زنان در مناطق مختلف، تاکنون نتوانسته اجماع واقعی کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی را به وجود آورد و تصویب این کنوانسیون توسط برخی کشورها با شرط گذاری، بعضاً بدون اعتقاد واقعی به مواد آن صورت گرفته و جنبه نمادین دارد. گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای و یافته های تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

واژه های کلیدی: کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، تساوی جنسیتی، هویت اسلامی، ایران.

۱. استاد گروه روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. (نویسنده مسئول) Rezasimbar@hotmail.com

۲. دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه گیلان، گیلان، ایران. Halehmehdizadeh70@gmail.com
Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقدمه:

یکی از مسائل مهم جوامع امروزی مبحث جایگاه و حقوق زنان و همچنین پرهیز از برخوردهای تبعیض آمیز نسبت به آنان می باشد. در همین راستا دولت ها و سازمان های بین المللی، کنوانسیون ها و اسناد بین الملل مهمی را تدوین و تصویب کرده اند که در جهت نفی هرگونه تبعیض علیه زنان و احقاق حقوق آنان و برقراری تساوی بین حقوق زن و مرد هستند. از جمله این اسناد می توان به اعلامیه جهانی «حقوق بشر»، «میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی»، «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» و مهم تر از همه «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان» اشاره کرد که مهم ترین هدف این اسناد و معاهدات، برقراری نظام هماهنگ، جهت اجرای مفاد این معاهدات در سطح جهانی است. (سادات سالکی، ۱۳۹۵: ۱-۲) هدف کنوانسیون از بین بردن انواع تبعیضات بر اساس جنسیت است که زنان را در موقعیت نامطلوبی نسبت به مردان قرار می دهد. اما مساله این می باشد که این کنوانسیون برای بهبود شرایط زنان که تجربیات و فرهنگ های متفاوتی دارند چه راهکارهایی ارائه می دهد؟ تطبیق قوانین ملی با معاهدات بین المللی می تواند با وارد کردن شروطی که با قوانین، سنت ها و فرهنگ کشورها در تعارض است صورت گیرد، اما همین موارد می تواند رسیدن به یک قاعده حقوقی فراگیر را برای کشور های مختلف سخت تر کند. در این کنوانسیون ما شاهد سه گروه می باشیم، کشورهای که بدون اعمال شرط به کنوانسیون پیوسته و گروهی که با اعمال شروطی که اغلب با مفاد اصلی این کنوانسیون در تضاد است به آن پیوسته و اندک کشورهایی نیز به طور کلی به این کنوانسیون نپیوسته اند از جمله ایران. در این راستا کشورهایی که بدون اعمال شرط به کنوانسیون وارد شده اند به کشوهایی که شرط گذاری کرده اند (آن هم در مفاد اصلی کنوانسیون)، انتقاد می کنند و کشورهایی هم که وارد کنوانسیون نشده اند به صورت تهدید و خطر برای زنان در جامعه جهانی جلوه می کنند. در این راستا پژوهشگر با توجه به دیدگاه ها و نگرش ها، فرهنگ های متفاوت کشورها از چارچوب نظری سازه انگاری به مسئله می پردازد. با توجه به این که کشورهای مختلف با ساختارهای متفاوت به شیوه هایی گوناگون، این کنوانسیون را تصویب کرده اند، پژوهشگر به این می پردازد که با توجه به این که، این کنوانسیون خواهان رفع تبعیضات جنسیتی در جهان می باشد تاکنون چگونه اجماع بین کشورها به ویژه کشورهای واقع در جهان اسلام را در این راستا به وجود آورده است. در این مقاله بعد از بررسی اهداف کنوانسیون و تأثیرات آن بر بهبود وضعیت تبعیض آمیز میان زنان و مردان و عملکرد کشورهای مختلف با فرهنگ ها و ساختارهای متفاوت از هم در تصویب این کنوانسیون، به نقش فرهنگ و هویت اسلامی در پیروی کردن و یا پیروی نکردن از این نوع معاهدات می پردازد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهشهای بای جهان اسلام

۲

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

چارچوب نظری:

ساختار نظام بین الملل در ادوار مختلف دستخوش تغییراتی بوده است و هر دوره مکاتب مختلف در تلاش برای ارتقاء و گسترش نظام فکری خویش بودند. در این بین، رویکرد سازه انگاری نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است. سازه انگاری یا سازنده گرایی، فلسفه ای است که دانش را به جای این که در جهان مادی (موجود) در نظر بگیرد، به عنوان وجودی می بیند که هر کدام از ما آن را می سازیم. یعنی منافع از روابط اجتماعی حاصل می شود و روابط دولت ها با هم بر اساس معنایی است که آن ها برای یکدیگر قائلند، هویت یک امر رابطه ای است که به معنای درک خود و انتظارات از دیگران است. آنان بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرآیندهایی مانند تعاملات به وجود می آیند. (دارابی، ۱۳۹۴: ۳۷-۳۸) توجه سازه انگاران از یک سو، به انگاره ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه هاست و تأکید آن ها بر «نقش تکوینی عوامل فکری» است که آن ها را در برابر «مادی گرایی» حاکم بر جریان اصلی در روابط بین الملل قرار می دهد و در عین حال، به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آن ها را از پسا ساختارگرایان متمایز می سازد. از نگاه امانوئل آدلر، سازه انگاری نشان می دهد که چگونگی شکل دادن جهان مادی به کنش انسانی و شکل گرفتن جهان مادی توسط کنش انسانی و تعامل انسانی وابسته به تفاسیر پویای هنجاری و معرفت شناختی جهان مادی است. این به معنای نقش جهان مادی در برساختن جهان اجتماعی است. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۳۲۵-۳۲۴) بر اساس این رویکرد، محقق بر این اعتقاد است که نابرابری جنسیتی و تبعیض و شکاف جدی میان دو جنس یعنی شکافی که در سایر الزامات و محدودیت های اجتماعی، قوانین، هنجارها و قواعد و آداب و رسوم و ویژه هر جامعه رشد می کند و تبعیض مضاعفی را، بسته به ماهیت و شدت این عوامل برای زنان رقم می زند، رابطه مستقیمی با نوع نگرش کنشگران آن جامعه به موضوع مورد نظر دارند. همانطور که در بالا ذکر شد، هویت یک امر رابطه ای است. کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مترقی ترین و جامع ترین معاهدات بین المللی موجود در قالب حقوق بشر زنان و تقریباً همه اسناد قبلی را در این زمینه در بر می گیرد و در تلاش برای رفع نواقص اسناد قبلی، پارافراتر می گذارد. همچنین تلاش می کند تا به موضوعات جدید پردازد و چشم اندازهای جدیدی را برای توسعه بیشتر قانون حقوق بشر در مورد زنان باز کند. (کریونکو، ۲۰۰۹: ۴۳) با توجه به اینکه در مباحث علوم انسانی به ویژه مسائل مرتبط با جهانی شدن ما با یک موضوع روبرو نیستیم بلکه با مجموعه موضوعاتی مواجهیم که در کل به همه آنها جهانی شدن گفته می شود. امروزه روند های جهانی به گونه ای است که گویی جهان با تمام معنایش از خرد تا کلان روندی غیر قابل پیشگیری را طی می کند، لکن فراتر از همه این بحث ها این فرایند کماکان



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستک العالم الاسلامی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

مسیر خود را می‌پیماید و توقفی برای آن متصور نیست. ما در این مسیر با یک سری مفاهیم انتزاعی رو به رو هستیم که با توجه به هویت‌های گوناگون ما را به سمت نیازها و شرایطی که در راستای روند کلان‌تر در ابعاد سیاست، اجتماعی، فرهنگی، حتی اقتصادی و در سطح جهانی در حرکت است، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. و این بازبینی جهانی هم در حقیقت یک مفهوم ذهنی است و می‌تواند بر ابعاد مادی تأثیر نهد. (پیری و میرزایی، ۱۳۹۶: ۴۴) در این راستا، با توجه به فرهنگ‌ها، ساختارها، مذاهب و همچنین سطوح مختلف آگاهی و مطالبه‌گری زنان، حساسیت‌ها، استانداردها، شرایط و تجربیات خاص زنان در کشورهای مختلف، مقاله را در چارچوب سازه‌انگاری بررسی خواهیم کرد. در این قالب، هویت و تعاریف جهان اسلام و به ویژه کشور ایران با معانی و مفاهیم برداشت شده از رفع هرگونه تبعیض علیه زنان توسط غرب در تضاد است. در این شرایط برخی کشورهای اسلامی مانند مصر، اندونزی، عراق، عربستان، الجزایر، بحرین، بنگلادش، کویت کنوانسیون رفع تبعیض را با اعمال شروطی که با تعاریف و هویت آن‌ها همخوانی دارد پذیرفته‌اند و برخی از کشورهای اسلامی دیگر مانند ایران، سومالی، سودان نیز به طور کلی مفاد این کنوانسیون را امضا نکرده‌اند. اقدامات مثبت برای جبران تبعیض معمولاً طبق تعاریف و سیاست‌های کشورها صورت می‌گیرد و این کشورها تمایلی به انجام اقدامات مثبت در راستای CEDAW^۱ نداشته‌اند. (مک دوگال^۲، ۲۰۲۱: ۴)

پیشینه تحقیق:

مطالعه مباحث مربوط به حقوق زنان و مبحث اشتغال و حق انتخاب حرفه با وجود این که در محافل علمی گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است اما هنوز نتوانسته است به طور کامل و جامع بسیاری از پیچیدگی‌های این حوزه را پوشش دهد و یا به صورت کاربردی و جدی در جامعه پیاده‌سازی کند. با این وجود نگارنده شرحی از مطالعاتی را که در این زمینه صورت گرفته و به نحوی مرتبط به موضوع بحث ما است را در زیر بیان کرده است:

- معصومه سادات سالکی، در سال ۱۳۹۵، در تحقیقی با عنوان «بررسی تطبیقی حقوق زن در اسلام و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»، به بررسی جایگاه زن در اسلام و مقایسه آن با جایگاه زن در سازمان کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان با تأکید بر بُعد حقوقی پرداخته و پیشنهاد تهیه پیش نویس کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با مبنای نظری اسلامی از سوی کشورهای اسلامی که با مواضع رسمی

1. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women
2. Gay McDougall



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

آن‌ها مشترک می‌باشد را می‌دهد. اما در مقاله حاضر، پژوهشگر در چارچوب رویکرد سازه‌انگاری به این می‌پردازد که مفاد این کنوانسیون چه تاثیری بر تغییر رویکرد کشورهای اسلامی برای رفع تبعیض علیه زنان داشته است و در عین حال به صورت موردی به نقش هویت اسلامی در ایران و تاثیر آن بر نیروستن به این کنوانسیون می‌پردازد.

- پژوهش دیگری تحت عنوان «مطالعه‌ای درباره کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان»^۱ نوشته حجت‌الله منصوری در سال ۲۰۱۲، به موضوع کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان به صورت کلی پرداخته است و تبعیضات مثبت و منفی در بعد داخلی را مطرح می‌سازد. برای مثال سربازی را برای زنان خوب و متناسب نمی‌داند اما در جای دیگر معتقد است با توجه به ممنوعیت قضاوت زنان در ایران، اکنون فعالیت زنان در این حوزه بیشتر شده است، اما مقاله پیش رو به این می‌پردازد که با وجود مناطق جغرافیایی مختلف، تجربیات، فرهنگ‌ها و باورهای متفاوت کارکرد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان تا کنون چگونه بوده است؟

- مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «تحلیل تفاوت‌های حقوق زنان در حقوق اسلامی و ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (با تمرکز بر مبحث اشتغال و حراست)» نوشته مهناز سلیمی و همکاران، حقوق و تکالیف در فقه اسلامی را با بند‌هایی از ماده ۱۶ کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان مغایر می‌داند. نویسندگان جایگاه مبحث حضانت را در کنوانسیون برتر از حقوق اسلامی دانسته و در مقابل جایگاه مبحث اشتغال زنان در حقوق اسلامی را والا تر از مواد مربوطه در کنوانسیون (که هیچ قیدی را در نظر نگرفته است) مطرح می‌نماید. اما محقق در مقاله حاضر، بدون توجه به یک بند خاص و به طور کلی به چگونگی کمک این کنوانسیون به بهبود وضعیت زنان پرداخته و در پی این می‌باشد که این کنوانسیون تاکنون چگونه اجماع بین کشورها را در باب وضعیت زنان در جهان به ویژه جهان اسلام و با تمام تفاوت‌های فرهنگی‌شان بهبود بخشیده است؟

پژوهش حاضر با استفاده از مطالب مفید در مقالات نام برده و همچنین مقالات دیگر بر آن است تا بررسی کند که برخی از کشور های اسلامی با ساختارهای سنتی، فرهنگ‌ها و مذاهب گوناگون بدون توجه به مسائل ساختاری و سیاست‌گذاری‌های متفاوت از کشورهای غربی چگونه پذیرای کنوانسیونی با ساختاری غربی شدند، به گونه‌ای که فقط چند کشور از جمله ایران به عضویت آن در نیامدند.

1. A study on convention on the elimination of all forms of discrimination against women

۱- کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان:

در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد که پس از تصویب کشور بیستم در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به عنوان یک معاهده بین المللی لازم الاجرا شد. تادهمین سالگرد کنوانسیون در سال ۱۹۸۹، تقریباً یکصد کشور توافق کرده اند که به مفاد آن ملزم باشند. تلاش ها برای پیشرفت زنان منجر به اعلامیه ها و کنوانسیون های مختلفی شده است که کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان اصلی ترین و جامع ترین سند است. در میان معاهدات بین المللی حقوق بشر، این کنوانسیون در آوردن نیمی از نیروی انسانی یعنی زنان، به کانون توجهات حقوق بشر نقش بسیار مهمی دارد. (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹: ۱)

این کنوانسیون، یکی از ۱۰ اصل اصلی حقوق بشر سازمان ملل است. ۳۰ ماده این کنوانسیون که اغلب به عنوان لایحه حقوق زنان توصیف می شود، مجموعه ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان را در بر می گیرد. از جمله موارد دیگر، کنوانسیون برابری کامل زنان و مردان را بر اساس قانون به رسمیت می شناسد و تبعیض علیه زنان را در تحصیل، اشتغال، مشارکت سیاسی، مراقبت های بهداشتی و زندگی اقتصادی پیش بینی می کند. تقریباً ۹۷٪ کشورهای جهان طرف کنوانسیون هستند. فقط تعداد معدودی از کشورها از جمله ایران، سومالی، سودان و تونگا، پالائو و ایالات متحده امریکا به این کنوانسیون ملحق نشدند. (کول^۱، ۲۰۱۶: ۱-۲) این کنوانسیون شامل دو بخش عمده است. مقدمه ای که مجموعه ای از دلایل زیربنایی تعهد کشورهای عضو در امضای این کنوانسیون را توضیح می دهد و بخشی که به تفصیل به بیان حقوق مختلف زنان می پردازد. در تصویب این کنوانسیون، کشورهای عضو نه تنها موافقت می کنند که کنوانسیون را در سطح کشور اعمال کنند، بلکه موافقت می کنند گزارشاتی را نیز درباره اقدامات انجام شده برای دستیابی به این هدف، به ویژه برای رفع موانع و محدودیت های موجود ارائه دهند. علی رغم اذعان تقریباً جهانی به برابری جنسیتی و سهم اساسی زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده ها و کشورهاشان، حقوق زنان به عنوان یک انسان روزانه و به طور مداوم نقض می شود. این واقعیت که بسیاری از کشورها اصل برابری و عدم تبعیض را در قانون اساسی خود گنجانده و قانون مدنی و خانوادگی خود را مطابق با کنوانسیون اصلاح کرده اند، به این معنی نیست که بنابراین همه اشکال تبعیض به طور خودکار از بین رفته است. (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ۲۰۰۵: ۲-۳)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Women's Association
جمعية نساء العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بای جهان اسلام

۶

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

۱-۱: اهداف کنوانسیون:

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، یک دستاورد بسیار مهم جامعه بین المللی در جهت احیای مقام و موقعیت زن و زدودن تبعیض، تحقیر و بی عدالتی از او و اعطای نقش فعال به او در ساختار توسعه جامعه بشری تلقی می گردد و در تلاش است که کاملاً در اذهان رسوخ کند که زن بودن فی نفسه، نقص نیست و مرد بودن به ذاته کمال به شمار نمی آید و نباید منجر به حقوق کمتر یا محدودیت بیشتر زنان و حقوق و امتیازات بالاتری برای مردان باشد، بلکه هر دوانسان اند و باید حیثیت، کرامت و حقوق انسانی یکسانی را برای آن ها به رسمیت شناخت. (سامعی، ۱۳۹۷: ۲۱۳) اهداف کنوانسیون از بین بردن تمام نگرش ها، اعمال، تمایزها، استثنائات یا ترجیحات بر اساس جنسیت است که زنان را در موقعیت نامطلوبی نسبت به مردان قرار می دهد. این کنوانسیون برابری کامل زنان و مردان را طبق قانون به رسمیت می شناسد و تبعیض علیه زنان را در تحصیل، شغل، مشارکت سیاسی، مراقبت های بهداشتی و زندگی اقتصادی نفی می کند. همچنین، حق رأی دادن و کاندید شدن زنان، دریافت حقوق برابر برای کار برابر، مالکیت و فروش اموال و ازدواج و طلاق آزادانه و با رضایت کامل و... را برای زنان به رسمیت می شناسد. (کول، ۲۰۱۶: ۱). به طور کلی در پی ایجاد مساوات و عدالت در پیشبرد برابری مرد و زن و تاکید بر ریشه کن کردن همه انواع تبعیض و مشارکت دادن زنان در تمام زمینه ها با اعتقاد بر این که توسعه و رفاه جهانی و برقراری صلح نیازمند عدم تبعیض میان زنان و مردان می باشد. (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹: ۱-۲)

دیدگاهی که از جانب برخی از پژوهشگران ایرانی مطرح می شود این می باشد که یکی از اهداف کلی حاکم بر معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، استاندارد کردن دیدگاه ها، بینش ها و روش ها با خاستگاه غربی و مبتنی بر فرهنگ غرب می باشد و هدف آن تغییر و یکسان سازی فرهنگ جوامع با الگوهای پیش ساخته است و در مرحله بعد هدف آن خانواده است که مهم ترین پایگاه حفظ ارزش های ملت هاست. (قامت و صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۳) فارغ از این دیدگاه، درباره مشکلات کنوانسیون باید گفت، کشورها معمولاً از عمل واقعی به تعهد بین المللی خود، برای اجرای سیاست های اصلاح «تبعیض» علیه زنان غفلت می ورزند و در حالی که روند جهانی افزایش آگاهی در مورد تأثیر خشونت علیه زنان از جمله خشونت خانگی، اقدامات مضر و خشونت در شرایط درگیری وجود دارد، اجرای تعهدات قانونی و سیاست های پیشگیرانه موثر هنوز ناکافی است. دسترسی زنان به عدالت همچنان یک مشکل است. افزایش نمایندگی زنان در دولت و تصمیم گیری ها، حوزه اقتصادی بر روی اعداد تمرکز داشتند و از نظر



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دانش های اسلامی
پژوهش های بنیادی جهان اسلام

کیفی نتوانسته است به نتیجه مطلوبی دست یابد. بهداشت جنسی و باروری و حقوق زنان و دختران، به ویژه در هنگام درگیری نیز به طور کامل اجرا نشده است. این اشکال تبعیض اغلب به قوانین خانواده مربوط می شود که در بسیاری از مناطق جهان به عنوان موانعی برای برابری جنسیتی قرار دارد. اغلب به نام ایدئولوژی، سنت و فرهنگ توجیه می شود. (کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ۲۰۱۶: ۱-۳) البته نباید نادیده گرفت که این پیمان به توسعه حقوق شهروندی در بوتسوانا و ژاپن، حقوق ارث در تانزانیا و حقوق مالکیت و مشارکت سیاسی در کاستاریکا کمک کرده است و قوانین مختلفی را در مورد برابری جنسیتی در مغولستان، قانونی در رواندا منع تبعیض جنسی مبتنی بر دسترسی به زمین، قوانین خشونت خانگی در ترکیه، نپال، آفریقای جنوبی و جمهوری کره و... را به تصویب رسانده است. (سازمان ملل متحد: ۲۰۲۱) اما برای کشوری مانند ایران با هویتی اسلامی، اینکه معیارهای اسلامی به گونه ای ترتیب اثر داده شود که زنان ایرانی در ابعاد مادی و معنوی از جایگاه مثال زدنی برای جهان برخوردار باشند، باید بتوانیم با معیاری عملی و قابل سنجش از میزان رضایت و پیشرفت زنان و توسعه کشور ارائه الگو نماییم.

۲- کشورهای جهان سلام در کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان:

منشور ملل متحد، ایمان به حقوق اساسی انسان، عزت و ارزش شخص انسانی و حقوق برابر زن و مرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل عدم پذیرش تبعیض را تأیید و اعلام می کند که همه انسان ها آزاد و با کرامت و حقوق برابر به دنیا می آیند و هر کس از هر نوع حق و آزادی بدون هیچ گونه تمایز، به ویژه تمایز جنسیتی، برخوردار است و برای دستیابی به برابری کامل بین زن و مرد به تغییر نقش سنتی مردان و همچنین نقش زنان در جامعه و خانواده نیاز است. (کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، ۱۹۷۹: ۱-۲) اما بسیاری از کشورهایی که این معاهده را تصویب کرده اند، شروط یا رزروهایی انجام داده اند که کاربرد داخلی این کنوانسیون را تضعیف می کند. کشورهای موجود در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی، و حتی کشورهای واقع در خارج از جهان اسلام دیگر از جمله آرژانتین، استرالیا، برزیل، چین، کوبا، السالوادور، آلمان، باهاما، کره شمالی، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، سوئیس و چندین کشور دیگر (مجموعه معاهدات سازمان ملل متحد، ۲۰۲۱) نیز شروطی وارد نموده اند. درباره کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی برای مثال کشورهایی مانند مصر، اندونزی، عراق، عربستان، الجزایر، بحرین، بنگلادش، کویت و... اکثر این موارد مربوط به قوانین شریعت یا ناسازگاری با قوانین ملی موجود بوده است. البته باید خاطر



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بای جهان اسلام

1. (Website Address: <https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CEDAW/Pages/DailyLife.aspx>)

2. United Nation Treaty Collection



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراستد العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

نشان کرد که برخی از کشورهای خارج از جهان اسلام مانند ایالات متحده آمریکا حتی به عضویت این کنوانسیون نیز در نیامدند. برای مثال، هلن استیسی، عضو هیات علمی دانشگاه استنفورد کالیفرنیا دلیل عدم تصویب این کنوانسیون توسط ایالات متحده آمریکا را این گونه بیان می کند که آمریکا معتقد است که قوانین ملی ایالات متحده بهترین و همچنین بهتر از بقیه کشورها می باشد و معتقد است، این حساسیت خاص در برابر امضای پیمان این کنوانسیون ناشی از احساس راست افراطی در ایالات متحده است که نگاهی بسیار قدیمی به ارزش های خانواده دارد که بهترین قانون ملی در جهان را دارد و اجازه نمی دهد کشورهای دیگر برای آن قانون وضع کند. (مصاحبه هلن استیسی^۱، ۲۰۲۱) فارغ از کشورهایی که به عضویت این کنوانسیون در نیامدند، رزروهایی که کشورهای عضو در کنوانسیون انجام داده اند نیز مغایر روح یا «هدف اصلی» کنوانسیون می باشد و طبق ماده ۲۸ (۲) این کنوانسیون مجاز نیستند. برخی دیگر از عدم توافقات کشورها، بر اساس تعارضات بین قانون شریعت و این کنوانسیون است، اگر برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه چنین اظهار نظرهایی نکرده اند، این نشان می دهد که تفسیرهای مختلف از شریعت وجود دارد. قانون ملی نیز به عنوان مبنای رزرو استفاده شده است، اگر چه چنین استفاده ای از قوانین ملی به وضوح توسط قوانین بین المللی پیش بینی شده است. (دبیرخانه عفو بین الملل^۲، ۲۰۰۴: ۲) بنابراین برداشت های متفاوت از اسلام بین کشورهای جهان اسلام منجر به این شده است که برخی این کنوانسیون را با اعمال شروطی پذیرفته و برخی مانند ایران آن را امضا نکنند و اما نکته جالب توجه این است که علاوه بر هویت ها و فرهنگ های مختلف، قوانین و منافع ملی نیز می تواند دلیلی بر خلل در اجرای کامل این کنوانسیون شود؛ زیرا فارغ از این که کشورهای اسلامی را بر اساس هویت اسلامی آن ها بررسی می کنیم شاهد کشورهای واقع در نقاط دیگر جهان نیز هستیم که اسلام گرا نیستند اما برای ورود به این کنوانسیون شرط گذاری کرده اند. مفاد این کنوانسیون فرهنگ، سنت و مذهب را به عنوان نیروهای تأثیرگذار که نقش های جنسیتی و روابط خانوادگی را شکل می دهند، مورد تأکید قرار داده است. با توجه به گفته مرتضی مطهری در کتاب نظام حقوقی زن در اسلام، «ما نمی توانیم با تغییر یا وضع قانون، وجدان مذهبی مردم را تغییر دهیم»، باید اذعان کرد که درباره اعمال این کنوانسیون بر روی کشورهای مختلف، با ساختارها، فرهنگ ها، مذاهب، استانداردها و تفاسیر مختلف از جایگاه، سطح سواد و آگاهی متفاوت زنان و همچنین میزان متفاوت مطالبه گری زنان در کشورهای مختلف، به سختی بتوان برای تجارب و نیازهای خاص زنان در مناطق مختلف راهکاری در جهت اجماع کلی بین تمام کشورها ارائه داد.

1. Interview of Helen Stacy

2. Amnesty international Secretariat



با توجه به این که قوانین ملی از استانداردهای بین المللی عقب است، یکی از دلایل تصویب اسناد بین المللی اغلب مطابقت دادن چنین قوانینی است. با این حال، کشورهای عضو با وارد کردن مواردی بر اساس تعارض با قوانین ملی، به ویژه در رابطه با ماده ۲، در واقع به دنبال تبعیت قوانین بین المللی از قوانین ملی هستند. کشورهای مختلف چه در منطقه خاورمیانه بنا بر دلایل شرعی اسلامی و چه خارج از این منطقه، بنا به دلایلی به غیر از دلایل شرعی، شروطی را برای ورود به این کنوانسیون وضع کرده اند. در این راستا، کمیته رفع تبعیض علیه زنان بارها تأکید کرده است که کشورها باید تأثیر کلی گروه شروط را و همچنین تأثیر هر شرط را بر یکپارچگی پیمان، برای تعیین این که آیا این شرط با مقصود و هدف کنوانسیون ناسازگار است یا خیر در نظر بگیرند. کمیته به طور خاص اظهار داشت که مواد ۲ و ۱۶ از مفاد اصلی کنوانسیون هستند. این کمیته معتقد است که ماده ۲ برای مقصود و هدف کنوانسیون مهم است و استناد به ماده ۱۶، خواه به دلایل ملی، سنتی، مذهبی یا فرهنگی صورت گیرد، با کنوانسیون سازگار نیست و غیرمجاز است و باید مورد بازنگری، اصلاح یا لغو قرار گیرد. این به این معنا است که گرچه این کنوانسیون به طور گسترده تصویب می شود، اما همچنین مشمول شروطی است که به طور اساسی مانع اجرای آن می شوند در واقع این شروط بسیار گسترده و فاقد وضوح و دقت هستند. بیشتر آن ها مربوط به مواد ۲ و ۱۶ است که توسط کمیته به عنوان مفاد اصلی کنوانسیون در نظر گرفته می شود و بنابراین هرگونه شرط نهادن درباره این مواد با آن ناسازگار است. (دبیرخانه عقوب بین الملل، ۲۰۰۴: ۱۱-۱۵)

بسیاری از کشورها بدون این که خود را ملزم به دستیابی به هدف برابری برای زنان کنند، شروطی بر مواد مختلف آن وارد کرده اند و به عضویت این معاهده در آمده اند. کمیته این مشکل را تشخیص داده است. از نظر کمیته اعمال رزرو در این کنوانسیون نشان دهنده عدم تمایل دولت به پذیرش حقوق زنان و اطمینان از ادامه انقیاد زنان و افسانه حقارت زنان را تداوم می بخشد و نابرابری ها را در زندگی میلیون ها زن در سراسر جهان تقویت می کند. به عنوان مثال، عربستان سعودی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان را در سال ۲۰۰۰ تصویب کرد. (دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۲۰۲۰: ۱) عربستان سعودی با انجام رزرو کلی، بر آن شد که در صورت تناقض بین هر یک از اصطلاحات کنوانسیون و موازین قوانین اسلامی، پادشاهی تعهدی به رعایت شرایط متناقض کنوانسیون ندارد. به همین ترتیب، موریتانی نیز موافقت کرد که به این پیمان ملزم شود؛ البته در هر یک از بخش های آن که مغایر با شرع اسلامی نیست و با قانون اساسی شان مطابق باشد. قوانین عربستان سعودی بر اساس قوانین شریعت اسلامی است. این امر را قانون اساسی صادره به فرمان سلطنتی شماره A۹۰ مورخ ۱۴۱۲/۸/۲۷ در ماده



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بای‌جهان اسلام

۷ تأیید می‌کند که می‌گوید: «حکومت در پادشاهی عربستان سعودی اقتدار خود را از کتاب خداوند متعال و سنت او می‌گیرد. رسولی که هر دو بر این قانون و کلیه قوانین کشور حاکم است.» در واقع ورود عربستان به این کنوانسیون، عمل این کشور را به صورت صرفاً نمادین باز می‌نماید؛ زیرا حتی در قانون اساسی عربستان سعودی مقرراتی در مورد برابری جنسیتی یا ممنوعیت تبعیض بر اساس جنسیت درج نشده است و زنان حتی برای انتقال تابعیت به فرزندان خود یا همسر خارجی مانند مردان از حقوق مشابهی برخوردار نیستند. (۲۰۱۸، UNDP؛ ۱۰-۸) نمونه‌ای دیگر بنگلادش است که به دلیل «تعارض با قانون شریعت»، برای ماده ۲ قید و شرطی ارائه کرد. مصر در مورد مواد ۹، ۱۶ و ۲۹ و یک شرط کلی در مورد ماده ۲، خود را از احترام به هر گونه تعهد یا تکلیفی که «مخالف شریعت اسلامی است» معذور کرد. عراق نیز به همین ترتیب، خود را به مواد ۲، ۹، ۱۶، و ۲۹۹ اختصاص داد در حالی که مراکش به مواد ۹، ۱۶ و ۲۹ ملحق شد. آنها همچنین ملاحظات خود را بر اساس شریعت اسلامی قرار دادند. همه این رزروها مبهم و کلی هستند. غالباً بدون ارائه «اصلاً هیچ توضیحی» وارد می‌شوند، مگر در تعارض با شریعت اسلامی که محتوای آن را نیز مشخص نمی‌کنند. حق شرط در مورد ماده ۲، کلی و مهم‌ترین ماده که کشورهای امضا کننده را ملزم به «الحاق کنوانسیون در سیاست داخلی» می‌کند و ماده ۱۶ که بر روابط خانوادگی حاکم است، بسیار جدی است. این اعمال شروط در مورد مفاد اصلی کنوانسیون، در مورد الزام به اصلاح قوانین داخلی، به معنای اصلاح نکردن تبعیض جنسیتی و قرار دادن زنان در تهدید بی‌عدالتی در شخصی‌ترین جنبه زندگی‌شان است. موضع مصر نیز این است که «قانون اسلام زنان را از هرگونه تبعیض‌رهایی بخشیده است» و «هیچ حقوق دیگری برای زنان غیر از حقوقی که قبلاً در شریعت مقرر شده است لازم نیست». بنابراین، این بدان معناست که ترویج CEDAW در مصر بیهوده است، زیرا زنان در حال حاضر تمام حقوق مورد نیاز خود را دارند. (پیتروپولی، ۲۰۱۹؛ ۸۶-۸۷) در این راستا، کمیته به این نتیجه رسیده است که رزرو به کنوانسیون به ویژه به مواد اصلی مجاز نیست و باعث اعتراض کشورهای پذیرنده مواد این کنوانسیون نیز شده است. برای مثال فنلاند معتقد است این رزروها غیر مجاز و فاقد اثر قانونی می‌باشد. در واقع به شیوه‌ای می‌توان گفت این نوع رزرو نشان می‌دهد که چگونه یک کشور عضو اساساً می‌تواند از پذیرش تعهدات جدید این پیمان انصراف دهد. اما هیچ مکانیسم اجرایی در این کنوانسیون وجود ندارد و اصول کلی حقوق بین‌الملل نیز نامناسب هستند. در نتیجه، این کمیته موظف است، به طور مکرر از کشورهای طرف بخواهد که چنین رزروهایی را، چه در نظرات عمومی

خود و چه در پاسخ به گزارش‌های جداگانه دولت، حذف کنند. (کِلر^۱، ۲۰۱۴: ۳۱۰-۳۱۹) سازمان ملل متحد این کنوانسیون را با اهمیت ویژه برای زنان و دختران تدوین کرد که با توجه به این که این کنوانسیون رهنمودهایی را برای حمایت از حقوق زنان وضع کرده، اما مانند بسیاری از اسناد دیگر بین‌المللی، فاقد سازوکارهای اجرایی ضروری برای ایجاد تغییرات معنی‌دار هستند. (موری^۲، ۲۰۱۳: ۸-۹)

این موارد نشان می‌دهد که با توجه به این که این کنوانسیون در پی از بین بردن هرگونه تبعیض علیه زنان می‌باشد اما نتوانسته است راهکاری جامع برای انجام بی‌قید و شرط مفاد آن در تمام جوامع ارائه دهد. یعنی حتی کشورهایی که این کنوانسیون را تصویب کرده‌اند با اعمال شروطی بر آن در انجام مفادی که با ارزش‌های ملی آن‌ها متضاد است در کار کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان خلل ایجاد نموده‌اند. اما باید گفت اگر چه کنوانسیون از چندین نظر قابل انتقاد می‌باشد، نمی‌توان انکار کرد که یک گام به جلو در معرفی تجربه خاص زنان در قوانین حقوق بشر می‌باشد و باید به عنوان یک دستاورد قابل توجه در راه شناخت نیازهای ویژه زنان توسط قانون بین‌المللی حقوق بشر به آن نگریست. عدم جدی بودن دولت‌ها نیز منجر به محدود شدن تحولات مثبت در زمینه حقوق بشر زنان برای معاهدات می‌شود. چنین تحولی تاکنون نامطلوب بوده است زیرا به کشورهایی که خارج از پیمان باقی مانده‌اند اجازه می‌دهد به اقدامات خود در جهت تبعیض علیه زنان ادامه دهند و بعضی کشورها با اعمال شروطی بر این کنوانسیون به مانعی برای رسیدن به هدف اصلی کنوانسیون تبدیل شوند. اگرچه این کنوانسیون به مسئله روش‌های فرهنگی و سنتی نیز می‌پردازد، اما این کار را به روشی بسیار ساده انجام می‌دهد. مفاد مربوط به کنوانسیون صرفاً خواستار حذف اقدامات تبعیض‌آمیز علیه زنان هستند بدون این که دولت‌هایی را که باید با این پدیده پیچیده مقابله کنند راهنمایی کند. (کریوانکو، ۲۰۰۹: ۴۳)

محققان معتقدند است، مطالب مذکور نشان دهنده این است که دولت‌های مختلف بنا به دلایل مختلف داخلی صدای متفقی در حوزه رفع تبعیض علیه زنان در عرصه بین‌المللی دست نیافته‌اند. بنابراین هرچند قابل انکار نیست که این کنوانسیون گامی مثبت به سمت جلو برای بهبود وضعیت زنان و یا حداقل درک بهتر نیازهای زنان در سراسر جهان می‌باشد اما تا زمانی که فرهنگ‌ها، مذاهب، سیاست‌ها و افکار گوناگون بر ملت‌ها حاکم باشد به وجود آوردن فضا و معاهده‌ای مانند کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نمی‌تواند به آسانی و به صورت تمام و کمال در وضعیت زنان جهان، با تجربیات، نیازها، سطح مطالبه‌گری متفاوت و شرایط متفاوت زندگی آنان تغییر شگرفی ایجاد کند.

1. Keller
2. Murray

۳- تفسیر اسلامی از رفع تبعیض علیه زنان از دریچه نگرش ج. ا. ایران:

اختلاف در فرصت ها و دسترسی زنان به منابع می تواند دلیل اصلی برای تمرکز در مبحث زنان باشد، زیرا زنان، در قلب خانواده و جامعه قرار دارند. وضعیت زنان بر همه زمینه های زندگی او، خانواده و جامعه تأثیر می گذارد. امروزه، به دلایل مختلف، زنان اغلب تنها حامی فرزندان خود هستند. زنان فقط اعضای سازنده یک خانواده نیستند، اغلب آن ها شبکه ایمنی آن هستند. اگر حقیقت زندگی زنان، با تمام پیچیدگی هایشان از دید ما پنهان مانده باشد، تغییر بعید است. زنان برای ایجاد جامعه ضروری و اساسی هستند. آن ها بازیگران و عوامل تاریخ بوده اند و «تاریخ سازی» کرده اند. (موری، ۲۰۱۳: ۱۱-۱۲) با توجه به اهمیت زنان در خانواده و جامعه، قوانین ایران که تفسیری متفاوت از جایگاه زنان در مقایسه با این کنوانسیون دارد؛ تساوی را این گونه معنا کند که هر انسانی اعم از زن و مرد باید از فرصت ها و زمینه های مناسب و کافی برای رشد و تکامل و رسیدن به کمالات وجودی برخوردار باشد و جنسیت هیچ یک از زن و مرد، مانعی برای رسیدن به این مطلوب والا نیست و هر کدام از فرصت ها بهتر استفاده کند به برتری و رشد و کمال بیشتر دست خواهد یافت. بنابراین تساوی در گفتمان اسلامی ایران یعنی هر یک از زن و مرد از حقوق و تکالیف مناسب با ویژگی های تکوینی شان برخوردار شوند و چیزی بر آنان تحمیل نگردد. این یعنی در اسلام ملاک فضیلت و برتری تقوی و آراستگی به فضائل انسانی و اخلاقی است، نه زن یا مرد بودن. (قامت و صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۹-۱۹۰) نظریه پردازان اصل تساوی زن و مرد، در شناخت حقیقت این دو موجود و نقش واقعی آن ها در نظام آفرینش به خطا رفته اند، توانسته اند عدالت را بین این دو جنس برقرار کنند. این واقعیتی است که برخی از اندیشمندان و حتی فمینیست های پست مدرن نیز به آن اعتراف کرده اند. آن ها معتقدند اعمال برابر میان زن و مرد، آن دورا در جایگاه حقیقی خود قرار نمی دهد، بلکه نوعی بی عدالتی و ظلم بر علیه آن هاست. در اسلام، زن و مرد از نظر هویت انسانی یکسان هستند، در نتیجه، در رسیدن به کمال انسانی و کسب مدارج علمی و معنوی، از شرایط یکسانی برخوردارند. اما زن و مرد نه تنها در بعد جسمی، بلکه در ابعاد گوناگون احساسی، روحی، ذهنی و رفتاری به گونه ای از هم متمایزند. گفتنی است که این تفاوت نقش ها به منزله برتری یکی بر دیگری نیست و آن ها مکمل یکدیگرند. (قامت و صابری، ۱۳۹۱: ۱۸۷-۱۸۸)

اما قابل انکار نیست که تعاریفی که در جامعه ایران به صورت فرهنگ، سنت و قوانینی که برای نقش زن در ایران ارائه شده است باعث برتر بودن مرد بر زن شده است. به عنوان نمونه، عقد ازدواج برای زوجین محدودیت هایی ایجاد می کند که از آن جمله محدودیت های شغلی است. مطابق ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است» که با توجه به بررسی های فقهی از



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دانش های اسلامی
پژوهش های پای جهان اسلام



حقوق شوهر بر زن این است که بدون اجازه از منزلش خارج نشود، اگر چه نزد خانواده‌اش برود و حتی اگر بخواهد به عیادت بیماران از خانواده خود برود یا در تشییع جنازه آنان حاضر شده و برای تسلیت‌گویی آنان برود. (هدایت نیا، ۱۳۸۵: ۱) بر اساس این موارد چنانچه اشتغال زنان منافی ماده ۱۱۱۷ یعنی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا مرد نیز نباشد، با منع کردن زن از خروج از خانه (طبق ماده ۱۱۰۵) می‌توان مانع اشتغال او شد. با توجه به افزایش سطح آگاهی و دانش انسان امروزی و قانونی مبنی بر کسب اجازه از همسر برای خروج از خانه توجیه پذیر نمی‌باشد؛ چه بسا مردی نا آگاه یا مغرض، سرپرستی خانواده و همسری آگاه و نخبه را بر عهده داشته باشد، در این صورت با هیچ منطقی نمی‌توان پذیرفت که زن، شوهر خود را صرفاً به دلیل مرد بودن اطاعت نموده و از حق طبیعی و انسانی خود چشم‌پوشی کند و همچنین در صورت حمایت قانون از زنان در این نوع موارد نیز از نظر اخلاقی و عرفی جایز نمی‌باشد که برای هر موضوعی، زن به دادگاه رجوع کند. در این گونه موارد فارغ از بحث جنسیتی، بحث اصلی نگرانی‌های موجود از نابودی پتانسیل‌های فکری و نیمه‌ای از سرمایه‌های کشور می‌باشد.

همچنین شواهد بسیاری وجود دارد که زنان فقط به دلیل زن بودن مورد تبعیض قرار می‌گیرند، به عنوان مثال، در مشاغلی مانند قضاوت که یکی از موضوعات بحث برانگیز می‌باشد که برخی معتقدند، زنان نمی‌توانند به عنوان قاضی عمل کنند اما برخی دیگر معتقدند که زنان حق دارند به عنوان قاضی عمل کنند. در این باره باید خاطر نشان کنیم که طی چند سال گذشته، تعداد زنانی که در سیستم قضایی ایران کار می‌کنند، یک افزایش مداوم را تجربه می‌کنند. (منصوری^۱، ۲۰۱۲: ۷۹۹) اما با توجه به سخنان مهیندخت داوودی (معاون قضایی رئیس کل دادگستری استان تهران)، زنان بیشتر نقش مستشاری داشته‌اند و به عنوان رأی دهنده نهایی و یا اداره کننده یک شعبه در نظر گرفته نمی‌شوند. تفسیر دینی از «حقوق بشر» با تفسیر آن در متن جامعه‌ای که مبانی سکولار دارد، با هم متفاوت است. قلمرو حقوق بشر در نگاه دینی منحصر به این جهان نبوده و جهان آخرت را نیز در بر می‌گیرد، لذا احقاق حقوق نباید تنها تأمین‌کننده‌ی لذایذ مادی وی باشد، بلکه باید نیازهای روحی و غیر مادی انسان را نیز در بر گیرد. دستگاه خلقت هر نوعی از انواع موجودات را در مدارای مخصوص به خود قرار داده و سعادت او را هم در این قرار داده که در مدار طبیعی خودش حرکت کند. بنابراین سعادت انسان وقتی تأمین می‌شود که هم جنبه‌های مادی او و هم جنبه‌های معنوی انسان در حقوق و تکالیف لحاظ شود. (خسروشاهی و سعیده یراقی به نقل از بکر و مطهری، ۱۳۹۲؛ ۱۵۶-۱۵۷)



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دانش‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

CEDAW که در سال ۱۹۷۹ توسط سازمان ملل به تصویب رسید، از کشورهای عضو می‌خواهد که برابری جنسیتی را در همه سیاست‌گذاری‌ها لحاظ کنند. اگرچه ایران در همان زمان برای امضای CEDAW دعوت شد، اما رد شد. تقریباً دو دهه پس از انقلاب، جنبش حقوق زنان در ایران دوباره احیا شد. مجلات نوظهور زنان مانند زنان، پیام هاجر، و حقوق زنان، طرح کلی خواسته‌های زنان را ترسیم کردند. گشایش فضای سیاسی که در ابتدای ریاست جمهوری خاتمی در سال ۱۹۹۷ به وجود آمد جرعه جنبش اصلاحات را زد و جامعه مدنی ایران را تقویت کرد. این صحنه سیاسی جدید به نمایندگان زن مجلس ششم این اهرم را داد تا توانمندسازی زنان در وزارتخانه‌ها را در اولویت قرار دهند و سیاست‌هایی را تغییر دهند که زنان را عقب نگه داشته است. در حالی که این تلاش‌ها منجر به افزایش زنان در پست‌های معاونت و مشاور در دولت بعدی شد، هیچ تغییر رسمی برای بهبود مشارکت سیاسی زنان ایجاد نشد. در اوج جنبش اصلاح طلبی، مجلس ایران در اردیبهشت ۱۳۸۲ لایحه‌ای را برای اجرای CEDAW تصویب کرد، اما به دلیل مخالفت با آموزه‌های اسلامی، توسط شورای نگهبان تصویب نشد. با پایان دوران اصلاحات، فعالیت‌های جامعه مدنی ایران محدود شد. اما جامعه زینب، مؤثرترین تشکل سیاسی - مذهبی زنان در ایران با زنان اصلاح طلب متحد شد که منجر به تأیید اولین وزیر زن پس از انقلاب شد (مرضیه وحید دستجردی که از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ وزیر بهداشت بود). با این حال، از آن زمان تاکنون هیچ تغییر قابل توجهی صورت نگرفته است و امروز کمتر از ۶ درصد از نمایندگان مجلس ایران را زنان تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، هیچ وزیر زن در دولت روحانی وجود نداشته و در کابینه رئیسی در سال ۲۰۲۱ نیز وجود ندارد. (وحیدی، ۲۰۲۱؛ ۱) با توجه به تأکید همه‌جانبه اسلام به رعایت و توجه به حقوق مادی و معنوی زنان به طور هم‌زمان، علاوه بر پرورش بعد معنوی و جایگاه ارزشی مادری برای زنان، توانمندسازی آنان و قرار دادن تسهیلاتی برای زنان، به ویژه مادران در ابعاد مادی نیز نباید مورد غفلت قرار گیرد. در واقع، تأکید بیش از حد بر بعد نقش مادری که موجب پرورش روحیه‌ای فداکارانه افراطی در زنان و در نهایت از بین رفتن و نادیده گرفته شدن استعداد های آنان می‌شود که هم برای زنان و هم برای کشور آسیب‌زننده می‌باشد. در بعد معنوی نیز توسعه فردی زنان، افزایش اعتماد به نفس، ایجاد روحیه خودباوری در آن‌ها و... بسیار ضروری می‌باشد. باید توجه داشته باشیم که قرآن کریم برای زنان، حقوق مستقل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قائل می‌باشد. مثلاً بیعت با حکومت را برای زنان پذیرفته است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ» اسلام کارهای اجرایی سیاسی و اجتماعی را یک وظیفه دانسته است اما آن را کمال نمی‌داند بلکه علم، معرفت و خلوص را کمال در نظر می‌گیرد. از

لحاظ اقتصادی نیز طبق آموزه های اسلامی، زنان همانند مردان استقلال اقتصادی داشته و مالک دست رنج خود بوده و در امور اقتصادی مشترک هستند. (محسنی و بیغش، ۱۳۹۸؛ ۸۲) بنابراین توانمندسازی زنان به تدارک و تسلط بیشتر بر منابع، فرصت ها و کسب منافع برای زنان اطلاق می شود که طی آن افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، فعالیت هایی انجام می دهند که باعث تسلط آن ها در تعیین سرنوشت خود می شود. توانمندسازی زنان دارای ابعاد مادی و غیر مادی است که با یکدیگر پیوند داشته و با موضوعاتی چون رفاه مادی، دسترسی به آگاهی، مشارکت و کنترل مرتبط می باشد. زنان بدون در اختیار داشتن منابع مالی، رفاه مادی و آگاهی قادر به مشارکت در فرایندهای تصمیم گیری نخواهند بود. افزایش آگاهی زنان می تواند در طولانی مدت آن ها را نسبت به کسب حقوقشان مصر سازد. (رضایی، ۱۳۸۸: ۷۲) با توجه به موانع ورود به کنوانسیون باید به این نکته توجه داشته باشیم که CEDAW می تواند به عنوان عرصه ای برای ارتقا و بهبود نگرش بین المللی نسبت به اسلام و ایران باشد. در واقع عدم ورود به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نباید پایان کار باشد، بلکه باید به عنوان کشوری اسلامی بتوانیم با طراحی الگویی جامع از حقوق زنان، خود حرفی برای گفتن در جامعه جهانی داشته باشیم. (منصوری، ۲۰۱۲: ۷۷۷)



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Women's Association
جمعية نساء العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بای جهان اسلام

نتیجه گیری

موضوع زنان و چالش های آنان سالیان دراز است که در دست تحقیق است. در این میان یکی از کنوانسیون هایی که در جهت ایجاد برابری کامل میان زنان و مردان بر اساس قانون ایجاد شده است، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان می باشد. با توجه به این که این کنوانسیون جامع ترین اسناد برای رفع تبعیض جنسیتی می باشد، پژوهشگر بیان می دارد که با وجود این که تدوین و تصویب این کنوانسیون گامی هدفمند در جهت احقاق حقوق زنان می باشد، اما کشورهای مختلف با فرهنگ ها، مذهب ها و ساختارهای مختلف، تاکنون مواضع متفاوتی در قبال این کنوانسیون داشته اند. برخی کشورها بدون شرط گذاری، بعضی از کشورها با اعمال شروطی به آن پیوستند و تعداد معدودی از کشورها هم مانند ایران، سودان، سومالی و تونگا، پالائو و حتی ایالات متحده امریکا به این کنوانسیون ملحق نشدند. با توجه به مطالعات صورت گرفته، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان نتوانسته است راهکاری جامع برای انجام بی قید و شرط مفاد آن در تمام جوامع ارائه دهد. چرا که بعضاً کشورها بر مفاد اصلی این کنوانسیون شرط گذاری کرده اند و موجب بروز اعتراض از سمت دیگر کشورها شده اند و از جهت دیگر، وجود وضعیت نابرابر برای زنان، در سراسر جهان نشان دهنده این امر می باشد که برخی از کشورها ممکن است این کنوانسیون را تصویب کنند بدون این که واقعاً به مواد آن اعتقاد داشته باشند. با اذعان به این که کشورهای مختلف با ساختارهای متفاوت به شیوه هایی گوناگون این کنوانسیون را تصویب کرده اند، ما شاهد این هستیم که اجماع کلی برای اجرای کامل مفاد این کنوانسیون صورت نگرفته است. محقق معتقد است تا زمانی که کشورها دارای فرهنگ ها، ساختارها، مذاهب و نوع تفکرات متفاوت باشند، تفاسیر آن ها از برقراری عدالت برای زنان نیز متفاوت می باشد؛ زیرا میان برخی از اصول کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان و قوانین ملی کشورهایی که آن را نپذیرفتند و یا بر آن شروط کلی و جزئی وارد نموده اند، در تفسیر نقش، حقوق و جایگاه زنان، تفاوت عقیده وجود دارد و تبعیض و عدالت را به گونه ای متفاوت از هم تعبیر می کنند. در این بین، برخی کشورهای واقع در جهان اسلام نیز که عضو این کنوانسیون شدند، شروطی را بر اجرای کنوانسیون وارد کردند که اگر در تعارض با شریعت باشد از انجام آن معذورند و اعمال اینگونه از شروط به نحوی کار CEDAW را سخت کرده است. با توجه به مطالعات صورت گرفته علت عدم ورود ایران به CEDAW، بر اساس تعارضات موجود بین قانون شریعت و این کنوانسیون و به عبارت دیگر تفسیرهای متفاوتی است اسلام و غرب از حقوق و برابری زن و مرد ارائه می دهند. بنابراین برداشت های متفاوت از اسلام، ما بین کشورهای جهان اسلام، منجر به این شده است که



برخی این کنوانسیون را با اعمال شروطی پذیرفته و برخی مانند ایران آن را امضا نکردند. با وجود این که هویت و تعاریف جهان اسلام و به ویژه کشور ایران با معانی و مفاهیم برداشت شده از رفع هرگونه تبعیض علیه زنان توسط غرب در تضاد است، نباید فراموش کنیم که در مسیر جهانی شدن و عصر ارتباطات، منزوی بودن و عدم ورود ایران به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان می تواند وجهه و اعتبار بین المللی ایران را به خطر انداخته و به عنوان کشوری ضد حقوق بشر معرفی شود. به همین خاطر، ایران برای کاهش فشارهای بین المللی برآمده از عدم عضویت در کنوانسیون و همچنین برای افزایش تبادل اطلاعات و تجربیات، سنجش و بهره گیری از مفاد این کنوانسیون و کسب اطلاعات بیشتر از نیازها و مشکلات زنان، مانند سایر کشورها با اعمال شروطی به آن وارد شود و این کنوانسیون را محرکی برای تفکر و توجه بیشتر دولت، به وضعیت زنان در نظر گیرد. ایران بر این مبنا که ذات و هویت اسلامی، خواهان گسترش عدالت در جهان می باشد، می تواند با حضور فعال در عرصه بین المللی در این مسیر نقش آفرینی نماید. کشور ایران می تواند به این کنوانسیون به دید یک محرک برای پژوهش و افزایش اطلاعات درباره وضعیت و نیازهای خاص زنان نگریسته و هم زمان در بعد داخلی با توانمند سازی و به کارگیری زنان در حوزه های مختلف به ویژه اقتصادی و سیاسی، برای شناسایی و تأمین نیازهای فردی آنان، رفع شرایط وابستگی مالی زنان و حمایت از فعالیت زنان در راستای کسب آگاهی از حقوق خود و... اصلاحات جدی به عمل آورند. این گونه ایران می تواند برای گسترش عدالت و با بازنگری مداوم قوانین داخلی، به سطحی برسد که الگویی جامع از حقوق زنان که به صورت عملی نیازهای مادی و معنوی روز زنان را همه جانبه تحت پوشش قرار می دهد، ارائه نماید.



فصلنامه علمی - پژوهشی
جمعیت نرسان عالم الاسلامی
پژوهشهای بای جهان اسلام

منابع

کتاب:

مطهری، مرتضی (۱۳۷۶) «نظام حقوق زن در اسلام»، چاپ هفتاد و ششم، تهران: صدرا، ص ۳۳
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱) «تحول در نظریه های روابط بین الملل». تهران: سمت، ص ۳۲۴-۳۲۵
منابع فارسی:

پیری، داریوش، نوشین میرزایی (۱۳۹۶) «جهانی شدن و تأثیرات سیاسی آن در ایران»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال سیزدهم، شماره سی و هشتم، بهار، ص ۴۴

خسرو شاهی، قدرت الله، سعیده یراقی (۱۳۹۲) «بررسی انتقادی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در پرتو منشور حقوق و مسئولیتهای زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۶، شماره ۶۲، زمستان، ص ۱۵۶-۱۵۷

دارابی، علی (۱۳۹۴) «سازه انگاری، چارچوبی نظری برای تبیین منازعه ایران و امریکا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره ۲، تابستان، ص ۳۷-۳۸

رضایی، زهرا (۱۳۸۸)، «توانمندسازی زنان در فرایند توسعه»، پژوهش نامه زنان و توسعه، گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی، شماره ۴۲، ص ۷۲

سادات سالکی، معصومه (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی حقوق زن در اسلام و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، دومین همایش ملی، پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران، ص ۱-۲

قامت، جعفر، صابری قمی، پرتو (۱۳۹۱) «الحاق ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، فرصت ها و تهدید ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، دوره ۵، شماره ۱۸، پیاپی ۱۸، تابستان، ص ۱۸۳-۱۹۰
محسنی، طاهره؛ خدیجه احمدی بیخش (۱۳۹۸) «مقایسه تطبیقی جایگاه حقوقی زن در اسلام و کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض علیه زنان و سند ۲۰۳۰»، دوفصلنامه علمی ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره ۵۱، بهار و تابستان، ص ۸۲

هدایت نیا، فرح الله (۱۳۸۵) «اشتغال زنان و مصلحت خانواده در قانون مدنی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۴، ص ۱
پایان نامه:

سامعی، راضیه (۱۳۹۷) «اشتغال زنان در نظام حقوقی ایران با توجه به کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، ص ۲۱۳

منابع انگلیسی:

Amnesty international Secretariat (2004) «Reservations to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women; Weakening the protection of women from violence in the Middle East and North Africa region», Peter Benenson House, United Kingdom



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی

Cole, Wade (2016) «Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW)», In book: The Wiley Blackwell Encyclopedia of Gender and Sexuality Studies, April

Committee on the Elimination of Discrimination against Women (2016) Sustainable Development Goals, Contributions to the 2030 Agenda for Sustainable Development, United Nation, Website Address: <https://sustainabledevelopment.un.org/index.php?page=view&type=30022&nr=108&menu=3170>

Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, Adopted and opened for signature, ratification and accession by General Assembly resolution 34/180 of 18 December 1979, entry into force 3 September 1981, in accordance with article 27(1)

Convention on the Elimination of All forms of Discrimination against Women (2005) Guidelines for reporting on Article 14, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome

Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (1979) United Nations Human Rights, New York, Office of the High Commissioner, December /<https://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cedaw.aspx>

Keller, Linda M. (2014) «The Impact of States Parties' Reservations to The Convention on The Elimination of all Forms of Discrimination Against Women», MICH. ST. L. REV. 309

Krivenko, Y. Ekaterina (2009) «Women, Islam and International Law; Within the Context of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women», Graduate Institute of International and Development Studies, Volume 8

McDougall, Gay (2021) «The International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination», Leitner Center for International Law and Justice/Center for Race, Law and Justice, Fordham University School of Law

Mansouri, Hojatollah (2012) «A study on convention on the elimination of all forms of discrimination against women», Department of Law, Allameh Tabataba'i University, Management Science Letters

Murray, Anne .F, (2013) «From Outrage to Courage; The Unjust and Unhealthy Situation of Women in Poorer Countries and What They Are Doing About It», Second edition



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۰

سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

published by Anne Firth Murray, Menlo Park, CA. www.annefirthmurray.com

Murray, F. Ann (2021) Online course of International Women's Health and Human Rights, interview with Helen Stacy, University of Stanford

Pietropaoli, Irene (2019) «Islamic Reservations to the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women», The Journal of Human Rights, Semi-Annual, Vol. 14, No.2, Fall 2019-Winter 2020, P. 86-87

United Nation (2021) CEDAW in your daily life, Human Rights, Office of the High Commissioner, Website Address: <https://www.ohchr.org/EN/HRBodies/CEDAW/Pages/DailyLife.aspx>

United Nations Development Programme, (2018)»Kingdom of Saudi Arabia Gender Justice & the law», Assessment of laws affecting gender equality and protection against gender-based violence, P. 8-10.

United Nations Human rights Office of the High Commissioner (2020), Saudi Arabia: UN women's rights committee urges Loujain Al-Hathloul's release from detention

United Nation Treaty Collection (2021) Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, Human Rights, Chapter IV, Vol. 1249, P. 13. Website Address: https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=IND&mtdsg_no=IV-8&chapter=4&lang=en

Vahdati, Mahnaz (2021), Women's Political Empowerment and CEDAW: The Case of Iran and Turkey, Wilson Center, on August 30, <https://www.wilsoncenter.org/article/womens-political-empowerment-and-cedaw-case-iran-and-turkey>

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۴۰۱

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

سیمبر، رضا؛ مهدی زاده، سیده هاله (۱۴۰۰)، «رویکرد سازه انگارانه به کاربرد کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در جهان اسلام از ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۱؛ (مطالعه موردی ایران)» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۱-۱.

